



حکومت هخامنشیان

تربیت فرزند در ایران باستان

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۲۵ دی ۱۳۹۱ ۳۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

هرودوت : ایرانیان بعد از دلاوری در جنگها و نبرد با دشمنان بالاترین اصل مردانگی را در تولید فرزند و پرورش نیکوی آن می دانند . در بین آنهایی که فرزند پسر بیشتری داشته باشند پادشاه هدایایی را برای آنها می فرستد . زیرا پسر را از این جهت گرامی میدارند که در نبردها همراه پدران برای حفظ کشور استفاده میکنند . پسران آنها از پنج سالگی تا بیست سالگی در اسب سواری ، تیر اندازی ، راستگویی تعلیم داده می شوند . اسب در نزد ایرانیان حیوانی مفید و نیکو است و بسیار از مردمان آنان پسوند نام خود را از اسب میگیرند(جام



هرودوت : ایرانیان بعد از دلاوری در جنگها و نبرد با دشمنان بالاترین اصل مردانگی را در تولید فرزند و پرورش نیکوی آن می دانند . در بین آنهایی که فرزند پسر بیشتری داشته باشند پادشاه هدایایی را برای آنها می فرستد . زیرا پسر را از این جهت گرامی میدارند که در نبردها همراه پدران برای حفظ کشور استفاده میکنند .

پسران آنها از پنج سالگی تا بیست سالگی در اسب سواری ، تیر اندازی ، راستگویی تعلیم داده می شوند . اسب در نزد ایرانیان حیوانی مفید و نیکو است و بسیار از مردمان آنان پسوند نام خود را از اسب میگیرند(جاماسب ، لهراسب ، گشتاسب و . .) تیر اندازی نیز از هنرهای برجسته ایرانیان است و دوره های مختلفی در این باره در همه جا برقرار است .

...

زیرا این امر را برای دفاع از خود و کشور لازم می دانند . راستگویی نیز در نزد ایرانیان یکی از مهمترین صفتهایی است که همیشه پابرجا بوده است . آنان فرزند خردسال خود را به این سه امر مهم تربیت می کردند تا در آینده فردی مفید و برازنده گردد .

ایرانیان یکی از بزرگترین گناهان را پدر یا مادر کشی می دانند . آنان اعتقاد دارند يك فرزند سالم و نیکو هرگز دست به چنین کاری نمی زند . در صورتیکه شخصی چنین کاری کرد یا آن فرزند بد ذات و اهریمنی است و یا اینکه از نطفه دیگری است و آن فرزند حرامزاده است . استرابون جغرافی دان معروف درباره شیوه آموزش جوانان ایرانی میگوید : جوانان ایرانی از 5 سالگی تا 24 سالگی آموزشهای تیر اندازی - نیزه افکنی - اسب دوانی و راست گویی میدیدند .

مربیان آنان را در جایگاهی ویژه گرد می آوردند و پیش از طلوع خورشید با شیپوری آنان را گرد می آوردند . فرمانده يك گروه جوان 50 نفری به عهده يك شاهزاده یا يك فرمانده مدبر بوده است . آنان در دشت ها و کوهها در برابر خورشید - سرما - گرما دوره میدیدند و خوراك روزانه آنان نان گندم و نان جو و گوشت كباب - تره تیزك و آب بود . گزنفون در سال 445 پیش از میلاد میگوید : کلیه ایرانیان مجاز بودند اطفال خود را به مدارس عمومی اعزام کنند .

اینکار برای کسانی است که نیاز به کمک فرزند در امور چرخش زندگی ندارند . نتیجه این کار پارسیان ایناست که آنان از تن پروری دوری میگزینند و ادب اجتماعی را حفظ میکنند .

فردوسی بزرگ درباره دادن آموزش و فرهنگ به فرزندان خرد و کم سن و سال چنین می فرماید :

به فرهنگ سپردن فرزند خرد که گیتی به نادان نتوان سپرد

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «تربیت فرزند در ایران باستان»، پارسیان دژ، ۱۳۹۱.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://www.parsiandej.ir/articles/1223/pdf/تربیت-فرزند-در-ایران-باستان.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۵ آبان ۱۳۹۹